



## فراکسیون میانه‌روها و رئیس مجلس دوازدهم

مسعود پزشکیان، نماینده مجلس یازدهم در گفت‌وگو با انصاف‌نیوز با تأکید بر اینکه فراکسیون میانه‌روها در مجلس دوازدهم به لحاظ کیفی و کمی قوی‌تر از مجلس یازدهم است، گفت: «نظر این فراکسیون در انتخاب رئیس مجلس آینده تعیین‌کننده است. باید ببینیم کدام کاندیدای ریاست مجلس، شرایط فراکسیون را می‌پذیرد.» وی درباره حضور برخی چهره‌های اصولگرای معتدل همچون علاءالدین بروجردی در هیئت مؤسس فراکسیون میانه‌روها گفت: «هر چقدر بتوانیم بیشتر در مسیر اعتدال و میانه‌روی حرکت کنیم به نتیجه مطلوب‌تری دست خواهیم یافت. در این صورت دیگر تفاوتی ندارد که نماینده‌ای اصولگراست یا اصلاح‌طلب یا هر جریان دیگری.» پزشکیان درباره احتمال ریاستش بر فراکسیون میانه‌روها گفت: «نام‌های مختلفی مطرح شده و باید صبر کرد و دید که چه نامی از سوی اعضای فراکسیون انتخاب خواهد شد.» پزشکیان در ادامه درباره عملکرد فراکسیون اقلیت در مجلس یازدهم گفت: «در مجلس فعلی متأسفانه نمایندگان فراکسیون اقلیت را در تصمیم‌گیری‌ها بازی ندادند. در شرایط فعلی مجلس این افراد می‌توانند تعیین‌کننده باشند.» این نماینده جریان میانه‌رو در مجلس درباره احتمال کاندیداتوری اش در انتخابات هیئت رئیسه مجلس گفت: «فعلاً تصمیمی برای کاندیداتوری برای ریاست یا نایب‌رئیس مجلس دوازدهم ندارم اما تصمیم نهایی در این باره به نظر فراکسیون میانه‌روها بازمی‌گردد و براساس آن عمل می‌کنیم. در این ارتباط هر جمع‌بندی‌ای که فراکسیون میانه‌روها به آن برسد تلاش خواهیم کرد که اتفاق بیفتد.»

## گزارش دولت



منصوره محمدی  
خبرنگار گروه سیاست

همه‌وعده‌های مدیریتی ابراهیم رئیسی در هنگام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری به دو کلمه خلاصه می‌شد: «نفع مردم». او ادعاهای بزرگی را در وعده‌های مدیریتی خود مطرح کرد: از نگاه یکسان به همه مردم تا راه‌اندازی گشت ارشاد مدیران و پایان روابط فسادانگیز و مقابله با جریان رانت‌خواری و برخورد با مظاهر فساد. تأکید او بر تحول در نظام اداری و اجرایی کشور بود و دلیل این تحولات را مقابله با فساد اداری و برداشتن ضابطه‌های دست‌وپاگیر مطرح کرده بود. رئیسی بر رفع تبعیض و ناکارآمدی با اصلاح دولت و مبارزه با فساد تأکید بسیار داشت و در همین راستا از راه‌اندازی سامانه شفافیت و شفافسازی اقدامات نیز سخن گفت. شعارهایی که در سه‌ساله که از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد به دفعات تکرار شد، اما از حرف تا عمل فاصله بسیار است.

بودند که ادعای بزرگ ساخت چهار میلیون واحد مسکن و مواجهه او با واقعیت بود که او را به سمت استعفا کشاند؛ وزیر نفت دولت احمدی‌نژاد که ماجرای گم شدن دکل نفتی در زمان تصدی او بر این وزارتخانه رخ داد، عشق به این وزارتخانه را پس از کناره‌گیری از سودای ریاست‌جمهوری با خود حمل کرد و نخستین حاشیه را با سخنرانی رای اعتماد خود در مجلس رقم زد و به جای وزارت راه، از وزارت نفت استفاده کرد. بازداشت مشاور و بازرس ویژه او که گمانه‌ها این بود که به دلیل فراری برای دریافت رشوه به یورو رخ داده است (موضوعی که اطلاعات آن رسانه‌ای نشد)، حاشیه مهم دیگر مدت کوتاه تصدی او بر این وزارتخانه بود.

یوسف نوری، وزیر آموزش و پرورش و دیگر وزیر مستعفی در دولت رئیسی بود. برخی نوری را قربانی پرداخت دیر هنگام حقوق معلمان در اسفندماه ۱۴۰۱ مطرح کردند، در حالی که اعتراض‌ها و ناراضی‌ها از عدم پرداخت حقوق و رتبه‌بندی معلمان در آستانه نوروز را مستقیماً متوجه وزارت آموزش و پرورش دانسته بودند اما او در آن روزها در سفر کربلا به سر می‌برد. هر چند که در دوره مدیریت او، مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان در مدارس نیز رخ داد، اما هیچ‌گاه مقصر یا مقصرین این اتفاق شناسایی نشدند.

ابراهیم رئیسی به سال سوم دولت سیزدهم نرسیده، رکورددار تغییرات مدیریتی و کابینه در دولت‌های پس از انقلاب شد. اولین تغییر بزرگ این دولت با تغییر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی آغاز شد. حجت‌الله عبدالملکی در نخستین سال دولت سیزدهم کنار رفت و یا به تعبیر عده‌ای کنار زده شد، او علت این کار را هماهنگی بیشتر در تیم اقتصادی دولت بیان کرد. رئیسی در روز دفاع از او در مجلس گفته بود که او هم دانش و هم تجربه کافی را برای رسیدن به این سمت دارد. او وزیر وزارتخانه‌ای شده بود که با طرح ادعای عجیب از جمله اشتغال‌زایی با درآمد یک میلیون تومانی موجی از نگرانی را در بین اقتصاددان‌ها، کارشناسان و مردم و بازنشستگان ایجاد کرده بود. علی بهادری چهری، سخنگوی دولت، یک‌ماه پس از استعفا او در برنامه تلویزیونی «جهان‌آرا» زمانی که درباره دلیل استعفا عبدالملکی سؤال شد، گفت که از او دلیل استعفا را نپرسیده‌اند. عبدالملکی استفاده‌سال گذشته اختیار نام‌مناطق آزاد را از سوی رئیسی دریافت کرد.

تغییر بعدی در وزارت راه اتفاق افتاد و رستم قاسمی خیلی زود از این وزارتخانه خداحافظی کرد، خود او و دولت بیماری اش را علت کناره‌گیری از این وزارتخانه مطرح کردند، هر چند برخی معتقد



## بررسی وضعیت ثبات مدیریتی در دولت سیزدهم

# ۱۰۰۰ روز تغییرات

ابوالفضل دلاوری استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی توضیح داد:

## تفاوت تغییر در دولت‌های کشورهای توسعه‌یافته با ایران

دیگر جای حرف نیست و در این زمان می‌بینیم که دولت‌ها مشکلات زیادی برای پیگیری برنامه‌های خود در ترکیب موجود دارند. در اینجاست که دولت‌ها ناچار می‌شوند وزیر عوض کنند. در دولت رئیسی این موضوع را مقاداری داریم و ریشه آن به این موضوع بازمی‌گردد که کسانی که انتخاب شدند، براساس توانمندی‌های واقعی انتخاب نشده‌اند، بلکه براساس تصمیم‌های سیاسی انتخاب شده‌اند و بعد در عمل، ناپلیدی و ناهمسویی از خود نشان می‌دهند و رؤسای دولت‌ها مجبور می‌شوند دست به تغییراتی بزنند. گاهی هم به‌رغم ناپلیدی و ناهمسویی ملاحظاتی سیاسی در برخی کشورها باعث می‌شود دولت‌ها با یک ترکیب نه‌چندان منسجم ادامه پیدا کنند. اما در جاهایی که برنامه‌های مشخص و جدی وجود دارد، با وجود ناهمسویی کابینه ترمیم می‌شود. برای مثال انگلستان در جریان مذاکرات اولیه هسته‌ای با ایران یک وزیر خارج داشت که موضع متفاوتی با کلیت انگلستان و اتحادیه اروپا داشت و خودش کنار رفت چرا که متوجه شد نمی‌تواند با تیم همسویی داشته باشد. در گذشته هم ما با چنین مشکلاتی روبه‌رو بوده‌ایم. در ایران اوج این وضعیت را در دهه ۲۰ داریم و از سال‌های ۲۰ تا ۳۲ حدود ۲۷ کابینه روی کار آمد. نتیجه این وضعیت قطعاً اثراتی داشت و با هر تغییری در تیم مدیریتی و اجرایی، اختلال‌هایی پیدا می‌شود؛ به‌ویژه در سیاست ایران که با رفتن یک وزیر تنها خود وزیر نمی‌رود، عقبه او تا ابد اثراتی در وزارتخانه هم عوض می‌شود و خود این فرایند بسیار زمانبر است و از زمانی که وزیر می‌خواهد برود تا زمانی که وزیر جدید بیاید، چند ماه طول می‌کشد تا جایه‌جایی انجام شود و گسست‌های زیادی در اجرا و مدیریت ایجاد می‌شود. در این شرایط بی‌ثباتی‌های مدیریتی بیشتر ایجاد می‌شود. بی‌ثباتی‌های سیاسی هم به این دلیل که تنش‌های سیاسی درون یک دولت زیاد شده باشد، ایجاد خواهد شد. نمونه این وضعیت را در اوایل انقلاب داشتیم هر چند که ساختارها فرق می‌کرد و وزیران هم توافق نداشتند و کابینه عملاً چند ماه ناقص بود. در دوره‌های بعد تنش درون کابینه‌ها چندان زیاد نشده است.

چقدر این شکاف عمیق است. در برخی از کشورها این شکاف عمیق نیست، برای مثال در کشورهای اروپایی که احزاب همگرا تر شده‌اند و در آمریکا که تا حدودی همگرا بوده‌اند، دولت‌ها خیلی زیر و رو نمی‌شوند، اگر چه در آمریکا می‌بینیم شکاف‌های دیگری سر باز می‌کند. برای مثال ترامپ ظهور می‌کند که شکاف او با دموکرات‌ها به مراتب بیش از رؤسای جمهوری قبلی جمهوری خواه با دموکرات‌ها است. این تغییرات قابل فهم است چرا که تغییرات کلی در سطح کلی سیاسی اتفاق می‌افتد. اما تغییر در خود کابینه‌ها به برنامه دولت یا رئیس دولت بازمی‌گردد. اگر رئیس دولت برنامه منسجم و منظمی داشته و تیم وزرای خود را براساس تقسیم‌کاری ای که وجود دارد، متناسب با این برنامه‌ها انتخاب کرده باشد و نیروهایی که انتخاب می‌شوند در گذشته مراحل رشد و ترقی خود را در نهاد‌های پایین‌دست‌تر و یا در درون احزاب پیموده باشند، فرایند به شکل دیگری پیش می‌رود. ما به ندرت تغییرات زیادی در کابینه‌های احزاب حاکم در اروپا و آمریکا می‌بینیم، البته به استثناء مواردی مثل ترامپ که چندبار وزیر خارج خود را عوض کرد. اما در مواردی که آن تیم براساس شناخت دقیق از توانمندی‌ها و تجربیات تجربه‌شده وزرا شکل نمی‌گیرد و براساس رابطه انتخاب می‌شوند، زمانی که وارد کابینه می‌شوند شرایط عوض می‌شود، ملزومات عملی و اجرایی مطرح می‌شود و

ابوالفضل دلاوری، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با هم‌میهن به تشریح و مقایسه تغییرات مدیریتی با تغییر دولت‌ها در ایران و دیگر کشورهای جهان پرداخته و دلایل کنار رفتن کارمندان تارده‌های پایین شغلی را تشریح کرده است که در ادامه می‌خوانید:

این تحلیل درباره کشورهای پیشرفته مطرح است که با تغییر دولت‌ها، بدنه دستگاه‌ها به ندرت عوض می‌شوند اما در کشور ما اینگونه نیست. برای مثال دولت رئیسی به دلیل تغییرات مدیریتی رکوردشکنی می‌کند و مورد انتقادهای بسیاری قرار می‌گیرد. چرا ساختار سیاست دولتی در ایران اینگونه است؟ ابتدا باید تشریح کنیم که تغییر دولت‌ها و ترکیب هیئت وزرا یک بحث است و تغییر در کابینه‌ها یک بحث دیگر. تغییر دولت‌ها ممکن است با تغییرات بسیار زیاد در جهت‌گیری‌ها باشد؛ مثلاً فرسوز کیند با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، ویژگی‌ها و سیاست‌های دولت آقای خاتمی زیر و رو شد و این موضوع به شکاف‌هایی که بین جریان‌ها و جناح‌های سیاسی وجود داشت بازمی‌گردد که

نگاه  
کارشناس  
۱